

قلعه گردکوه یا گنبدان دژ

ناصر پازوکی

مقدمه

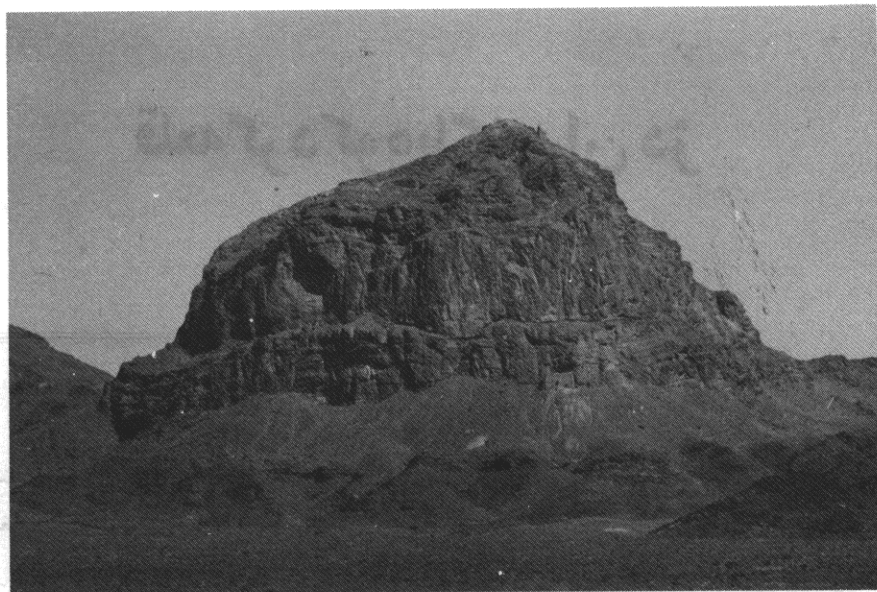
یکی از کهنسالترین و پر صلابت ترین قلعه های کوهستانی ایران قلعه گردکوه می باشد که در ۱۸ کیلو متری غرب دامغان قرار دارد. این قلعه به علت داشتن استحکامات دفاعی متعدد و غیر قابل تسخیر بودن، در طول تاریخ حائز اهمیت بسیار بوده است. در این مقاله سعی شده است مختصراً به سرگذشت آن در طول تاریخ پرداخته و بناهای دفاعی آن مورد بررسی قرار گیرد.

زردشت دین خود را در ایران رواج داد گشتاسب را به این کیش معتقد نمود او را از دادن خراج به ارجاسب پادشاه توران مانع شد. ارجاسب به مطالبه خراج و تمکین آوردن گشتاسب قشونی از رود جیحون عبور داد. گشتاسب پسر خود اسفندیار را به دفع و قتال او مامور و روانه کرد و اسفندیار ارجاسب را شکستی فاحش داد. اعظام ایران چون این فتح نمایان را از اسفندیار دیدند به سلطنت او مایل گردیدند، گشتاسب از اسفندیار رنجیده شد. او را دستگیر و در قلعه گردکوه که گنبدان دژ می گفتند، حبس نمود. ارجاسب چون این اختلال را در وضع سلطنت گشتاسب دید، مجدداً لشکر به ایران کشید و لهراسب پدر گشتاسب را که در بلخ منزوی بود به قتل رسانید و دختران پادشاه را

قلعه گردکوه در ۱۸ کیلو متری غرب دامغان، در شمال روستای قدرت آباد قرار دارد و فاصله آن از جاده سمنان به دامغان حدود ۷ کیلومتر است و از فاصله ۲۰ کیلومتری بصورت کوهی منفرد توجه هر رهگذری را به بخود جلب می کند. (عکس شماره ۱)

قلعه گردکوه یکی از کهنسال ترین قلعه هایی است که در سیر ادوار تاریخ به لحاظ موقعیت خاص طبیعی مورد استفاده اقوام مختلف بوده و از قدیم ترین ایام اهمیت ویژه داشته است. طبق گفته دقیقی و فردوسی، اسفندیار مدتی به فرمان پدرش گشتاسب در این قلعه که گنبدان دژ نام داشت در بند بوده است.

خواند میر واقعه مذکور را چنین نقل میکند: «چون



تصویر شماره ۱: نمای جنوبی قلعه گرد کوه از سر قنات، حدود یک کیلومتری (عکس از مهندس جواد شکاری)

ستون آوریدند آهن چهار
 مر او را در آنجا بیستند سخت
 ز تختش بیفکنند و برگشت بخت^۲
 و نیز در مکالمه اسفندیار با گشتاسب حکیم ابوالقاسم
 فردوسی فرماید:
 بیستی تن من ببند گران
 بزنجیر و مسمار آهنگران

(۱) خوانند میر، تاریخ جیب السیر، جلد ۱، چاپ دوم ۱۳۵۳،

چاپخانه گلشن، ترجمه محمد دبیر سیاقی، ص ۲۰۲.

۲- شاهنامه فردوسی، ناشر دنیای کتاب چاپ چهارم ۱۳۶۸، ص

اسیر کرد و تمام خراسان را متصرف شد. گشتاسب ناچار
 اسفندیار را از حبس بیرون آورد و به جنگ مقابل دشمن
 فرستاد و باز فتح و نصرت، اسفندیار را نصیب شد.» (۱)
 دقیقی که هزار بیت از اشعار او در شاهنامه درج شده، در
 حبس کردن اسفندیار در گنبدان دژ گوید:
 چنانش بیستند پای استوار
 که هرکش همی دید بگریست زار
 چو اندر گره شد سرو گردنش
 به فرموده آنکه بدژ بردنش
 فرستاد سوی دژ گنبدان
 گرفته پس و پیش اسپهبدان
 بدان دژش بردند بر کوهسار

سوی گنبدان دژ فرستادیم
 ز خواری به بیگانگان دادیم
 فردوسی علاوه بر ماجرای به بند کشیدن اسفندیار
 در قلعه گنبدان دژ (گرد کوه)، در ابتدای شاهنامه نیز
 هنگامی که از جمشید گفتگو می کند و مردم ایران را به
 چهار طبقه تقسیم می نماید، اشاره به قلعه گرد کوه کرده و
 آنجا را جایگاه کاتوزیان (آتوزیان)^۳ می داند و می نویسد:
 زهر پیشه در انجمن گرد کرد
 بدین اندرون سال پنجا خورد
 گروهی که کاتوزیان نامیش
 برسم پرستندگان دانیش
 جدا کردشان از میان گروه
 پرستنده را جایگه گرد کوه
 بدان تا پرستش بود کارشان
 نوان پیش روشن جهاندارشان؛
 سخنان فردوسی نشان میدهد که قلعه گرد کوه
 تاریخ بسیار کهنی دارد و با تاریخ اساطیری ایران یک
 همزمانی را طلب میکند. شاید تغییر نام این مکان بلحاظ فرم
 مشخص آن باشد و یا اینکه اشاره به گرد آمدن کاتوزیان در
 این مکان باشد.
 حمدالله مستوفی در نزهةالقلوب گوید: «گرد کوه
 آنرا دژ گنبدان گفته اند، سه فرسنگ است به دامغان پیرامون
 او منصور آباد و مهات (مهاق - مهاب - قهاب) و رستاق
 است، زراعات و محصول بسیار دارد.»^۵
 یاقوت حموی در سال ۶۱۳ از آن نواحی عبور کرده
 و قلعه گرد کوه را دیده و نوشته است: «بین دامغان و گرد
 کوه که قلعه ملاحظه است فاصله یک روز راه است کسی

که در دامغان باشد گرد کوه را در میان جبال می بیند.»^۶
 بعد از ظهور اسلام تا قرن پنجم جز آنچه
 جهانگردان و جغرافی دانان نوشته اند، از وضعیت قلعه گرد
 کوه اطلاعی در دست نیست. در سال ۵۶؛ جز قلاعی بوده
 که شهاب الدوله قتلش بن میکائیل بن سلجوقی، عموی
 الب ارسلان بر آن دست داشته است ابن خلکان در ترجمه
 حال الب ارسلان گوید: شهاب الدوله قتلش چند قلعه در
 اختیار داشته، یکی از آن قلاع گرد کوه بوده است.
 این شخص بر برادرزاده خود الب ارسلان یاغی شد و
 در نزدیک ری با یکدیگر جنگ کردند بعد از اتمام جنگ
 شهاب الدوله را مرده دیدند طبری که قبل از ابن خلکان
 می زیسته ماجرای مرگ شهاب الدوله را بگونه دیگری
 می نویسد:
 «شهاب الدوله به قلعه گرد کوه پناه برد. بعد از
 شکست لشکریان شهاب الدوله، الب ارسلان خواست، اسرا
 را از دم تیغ بگذراند ولی خواجه نظام الملک مانع این امر
 شد.»^۷

۳- کاتوزیان جمع کاتوزی - زاهد و عابد را گویند و باید دانست
 جمشید که طویف انام را به چهار قسم کرده، یکی را کاتوزی نام نهاد و فرمود
 که بروند و در کوه ها و غارها جای سازند و بعبادت خدای تعالی و کسب
 علوم مشغول باشند و دیگری - دهخدا
 ۴- شاهنامه فردوسی، با همان ماخذ ص ۲۰.
 ۵- نزهةالقلوب، چاپ لیدن، صفحه ۱۶۱.
 ۶- تاریخ گزیده، چاپ براون، ص ۱۷.
 ۷- تاریخ طبری، جلد دهم، ص ۲۴.

این قلعه در دوره اسماعیلیه از رونق و اعتبار فوق-العاده بر خوردار بوده شاید بتوان گفت که بخشی از اقتدار اسماعیلیان در منطقه دامغان و سمنان به این قلعه وابسته بوده است.

در سالهای ۴۸۵ و ۴۸۶، رئیس مظفر (حاکم دامغان در دوره سلجوقی) با نیرنگ قلعه گرد کوه را از سلجوقیان می‌گیرد و پنهانی به اسماعیلیه وعده همکاری می‌دهد او بیش از چهل سال حاکم دامغان و قلعه گرد کوه بود و در عمارت و استحکام آن اموال بسیار صرف کرد و تمام خزاین منسوب خویش را بر آنجا نقل، چون به ذخایر و خزاین مستظهر گشت سر معتقد خویش به قبول دعوت صاحب بدعت و التزام طریقه کفر و الحاد ظاهر کرد و از قبل حسن صباح چهل سال بر آنجا روزگار گذرانید و در فصیل گرد کوه در سنگ خارا چاهی کند و سیصد گز نزول کرد. چون به آب نرسید ترک کرد. بعد از وفات او بسالها زلزله افتاد و در آن چاه چشمه گشاده شد، فی الجمله به معاضدت رئیس مظفر که سدی منیع بود و شری بلیغ کار حسن و دعوت او بالا گرفت.^۸

«در تمام دوران سلجوقیان آنان نتوانستند اسماعیلیه را از جایگاهشان برانند. در جمادی الاخر سنه ۶۵۰ کیتوبوقانویان از بندگی منگوقا آن در مقدمه هلاکوخان به قصد بلاد ملاحده روان شد و در اوایل محرم سنه ۶۵۱ از آب بگذشت و در ولایت قهستان تاختن آغاز کرد و بعضی از آن ولایت مستخلص گردانید و از آنجا با پنج هزار سوار و پنج هزار پیاده بیای گرد کوه رسید و در ربیع الاخر سنه ۶۵۱ فرمود تا حوالی قلعه خندقی بریندند و پیرامون آن دیوار استوار بر آوردند لشکر در قفا آن دیوار بجرگه فرود آمدند

و پیرامون لشکر دیواری و خندقی دیگر بغایت عمیق و بلند کشیدند تا لشکر در میانه سلیم بماند و از جانبین تردد نتوانند نمود و بوری را آنجا بگذاشت و بیای قلعه مهرین رفت و محاصره کرد و امیر بوری که مقدم ایشان بود شبیخون آوردند و جرگه را خراب کردند و صد مغول را بکشتند و امیر بوری که مقدم ایشان بود بماند و از گرد کوه علی‌الدین محمد را که پادشاه ملاحده بود خبر کردند که در قلعه و با افتاده و اکثر مردم مبارز مردند و نزدیک است که قلعه از دست برود. مبارزالدین علی توران و شجاع‌الدین حسن سربانی را با صدوده مرد مجاهد سپاهی نامدار به مساعدت اهالی گرد کوه فرستاد و جمله آن صدوده کس بر جماعتی محاصران زدند و چنان بگذشتند که هیچ یک را المی نرسید مگر یک کس که در خندق افتاده و پایش از جای رفته، او را بر دوش گرفته، به قلعه بردند و کار گرد کوه دگر بار مستحکم شد.»^۹

«مغولان برای تخلیه و تخریب قلاع ملاحده کوشش زیادی کردند ولی رکن‌الدین خورشاه اغلب دفع وقت میکرد و تسلیم نمی‌شد. رشیدالدین فضل‌الله گوید که در اول ذیقعده سنه ۶۵۴ خورشاه اسماعیلی اطاعت و بندگی هلاکو را قبول کرد. بعد از آن قلاع ملاحده که از صد زیاده بودند، همه تسلیم شدند مگر قلعه گرد کوه که بعد از بیست سال دیگر به تمکین و اطاعت آمد. پس قریب دویست سال

۸- جوینی، عطا ملک، تاریخ جهانگشای جوینی، جلد ۳، صفحات

۲۰۷ و ۲۰۸.

۹- جامع التواریخ، چاپ پاریس، ص ۱۷۴ - ۱۶۶.

گرد کوه در تصرف اسمعیلیه بود و بدان استظهار داشته اند. قلعه گرد کوه در زمان امیر تیمور گورکانی نیز اهمیتی داشته زیرا در سنه ۸۷۶ که امیر ولی یاغی شده بود عیال خود را در گرد کوه گذاشت و زود از مقابل عسا کر امیر تیمور بطرف ری فرار کرد. شیخ علی بها در وسونجک بهادر و مبشر به قراولان لشکریان امیر ولی رسیدند و پس از صف آرائی لشکریان امیر ولی را از دم تیغ گذرانیدند و خود امیر ولی فرار اختیار کرد. آنگاه در دو محل شاسمان در کنار آب جرجان و شهر استر آباد بین سپاهیان امیر ولی و تیمور جنگ اتفاقی می افتد و هر بار امیر ولی متحمل شکست شد و به رستمدار گریخت. در دوران صوفیه و پس از آن دیگر ذکری از گرد کوه دیده نمی شود. گویا از سنه ۸۰۰ به بعد رو به خرابی رفت و اهمیت خود را از دست داد (۱۰). بدیهی است که بی توجهی در ادوار بعد به این قلعه بلحاظ وضعیت خاص سپاهی کشور بوده است زیرا سلاطین صفویه وارث موقعیت سیاسی خاصی گردیدند که دیگر قلعه نشینی در حد گنبد دژ در آن اعتبار و موقعیت خاصی نداشته است با این وصف در اینجا لازم می داند به نقل جامع ترین گزارشی که به دستور ناصرالدین شاه قاجار توسط شیخ محمد مهدی عبدالرب آبادی، عضو هیئت مولفین نامه دانشوران و میرزا محمد حسین ادیب ملقب به فروغی رئیس دارالطباعه دولتی و مدیر دارالترجمه زمان ناصرالدین شاه قاجار از ساختمان عجیب گرد کوه دامغان تهیه و در کتاب مطلع الشمس بچاپ رسیده و دارای نکات جالب توجهی می باشد پردازم.

(۱۱)

« گرد کوه در کوهسار غربی دامغان در نهایت

صعوبت مسلک به ارتفاع یکهزار ذرع تقریبی و طول سه هزار ذرع تحقیقی و استطاله آن از جنوب به شمال و سطح این کوه از بیست ذرع الی سی ذرع عرض دارد و غالب تسطیحش طبیعی و بر حسب خلقت اولیه است و در دامنه سمت شرقی آن چند کوه منفصل محقر واقع شده که نسبت به اصل گرد کوه مثل یکه بر جهائی چند اتفاق افتاده، گرداگرد تمام اینها دیواری مستدیر به مساحت یک فرسنگ از گچ و سنگ کشیده است و گرد کوه مع ما يتعلق بها از دامنه چهار سمت و آن چند کوه کوچک همه در میان این دایره وقوع یافته و از دیوار محیط چند جا به ارتفاع یک ذرع و نیم و دو ذرع فعلاً بر پا و قائم است و بر سر آن کوههای کوچک بروج و نشیمن قراول ساخته اند و سطح بعضی که وسیعتر بوده خانه و عمارت بنا کرده اند و از دیوار و آثار آن خانه ها بیشتر باقی موجود است و بر سطح خود گرد کوه عمارت و مساکن بسیار بوده و خصوصاً در سمت شرق که یک دست بنای معتبر محکم داشته به شکل مربع مستطیل بر چند اطاق بزرگ و غرفه های کوچک و مقدار عمده این عمارت سمت شرقی بالفعل باقی است و از فرط استحکام در مدت هفتصد سال بل از ید چیزی از آن خراب نشده الا سقفها و قلیلی از دیوارها در دو ضلع جنوبی و شمالی دو برج باریک مصمت متساوی الطرفین دارد و ما بین این دو برج دیواری است مشتمل بر چند در که از اطایقی

۱۰- ستوده منوچهر، قلاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز،

انتشارات طهوری، ۱۳۶۲،

۱۱- حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ قومس، انتشارات قومس ۱۳۷۰

بزرگ در وسط و دو غرفه در جنبین آن به طرف مشرق باز می شده است. در سطح سمت جنوبی سه برکه بزرگ و انبار آبست و هر سه مسقف بوده و بهم راه داشته است. حالا تمام سقفها ریخته و بیشتر راهها گرفته شده و ابعاد ثلاثه این سه برکه عرضاً و عمقاً یکسان است و عرض هر کدام هشت ذرع و عمق چهار ذرع و نیم می باشد و طولاً اختلاف دارد. طول یکی بیست و یک ذرع است و یکی بیست ذرع و دیگری بیست و هفت ذرع. در وسط سطح این کوه در موضعی که از همه جا بلندتر است، آبدانی ساخته شده شبیه تنوره آسیای آبی، ولی دهنه آن تنگ است و به تدریج هر چه پائین می رود فراخ تر می گردد و چون بمرور دهور تا یک ذرعی دهنه پر شده است، معلوم نیست که غور و قعر آن تا چه مقدار بوده و محتمل است که محل ذخیره حیوانات

و یا سایر ماکولات بوده، داخل آن سه برکه را با آجر بر آورده اند و روی آنها و توی این تنوره را به ساروج اندوده اند و در مقابل و محاذی عمارت شرقی و دیوار، یک اطاق از ابنیه آن الان هم بر جا و ایستاده است. پای آن اطاق، حوضی است بزرگ به طول پانزده ذرع و قعر اصلی این حوض و آن سه برکه معلوم نیست چرا که مقداری لما علی التعیین از عمق آنها به مصالح سقفها و اطراف که از هم ریخته است آکنده شده و این تحدید که در عمق آنها نوشته شده از روی کف حالیه است و آثار ادوات و لوازم زندگانی که بر سطح گرد کوه دیده شده، قطعه سنگ آسیای دستی بود و شکسته‌های ظروف سفال از کوزه و خم و قدح و کاسه به الوان مختلف از کبود و سبز و سرخ و آبی (عکس شماره ۲) و بر یکی از آنها خط کوفی دیده شده و هم شکسته



تصویر شماره ۲: نمونه‌هایی از تکه سفالهای قلعه گرد کوه (عکس از نگارنده).

آبگینه ضخیم بدست افتاد و طریق عروج سطح گرد کوه منحصر است به راهی که از طرف شرقی آن تراشیده و ساخته بوده اند. از جمیع اطراف کوه هر جا که بالا رفتن امکان داشته است با سنگ و گچ به اهتمام مسدود نموده اند. و بالفعل آن راه مصنوعی هم مندرس و منطمس شده و طی آن خطر فاحش دارد و در اثناء این راه در کمر کوه برکه دیگری است نظیر حوضی که بر سطح انداخته اند و بالاتر از این برکه بنای مختصریست که به قراولخانه می ماند و ساخت آن با خشت و گل است و غیر از این بنا، جمیع ابنیه و عمارات بالا و پائین این معقل حصین از سنگ است و گچ، و یک بنای دیگر هم در بیخ گرد کوه از طرف محاذی جلگه ساخته اند که تمام آن از آجر است و این بنای آجری در مقابل راهی که از جلگه وارد این کوهسار می شود واقع گردیده است. بلاشک جای دیده بان بوده، از ملاحظه حصانت و استحکام این مکان محقق می شود که به قوت اسلحه و ادوات خریقه قدیم فتح اینجا عنوة از محلات عادیه به شمار می آمده، معاقل ملاحده و قلاع اسماعیلیه غالباً همینطور در قلال جبال و یا بر رثوس بوده و مولانا جلال الدین رومی بالخصوص از این کوه در مثنوی نام برده می گوید:

هر یکی چون ملحدان گرد کوه
 کارد می زد پیر خود را بی ستوه (۱۲)
 آنچه تا اینجا در مورد قلعه گرد کوه آورده شد، مطالبی می باشد که در کتب و نوشته ها آمده است. برای مطالعه دقیق و علمی قلعه گرد کوه و نقش آن در تاریخ نیاز به حفاریهای علمی گسترده می باشد تا از چگونگی و وضعیت دفاعی آن مطلع شویم. آنچه از ظواهر امر بر

می آید قلعه گردکوه در نوع خود از مستحکم ترین قلعه های این سرزمین می باشد.
 این قلعه در دامنه جنوبی سلسله کوههای البرز و در حاشیه کویر واقع شده و بر فراز کوهی منفرد و بلند که ارتفاع آن به حدود پانصد متر می رسد قرار گرفته است. وضعیت کوه به گونه ای است که جز از یک مسیر که در شرق آن واقع شد، و آن هم با صعوبت و دشواری، دسترسی به آن محال می نماید. این کوه دارای دو کمر بند ایمنی یا مرد گرد است که مانند پا گرد عمل می کنند و عرض آنها بین یک تا ۱۰ متر متغیر است. این کمر بند یا مرد گرد بطور طبیعی در برخی نقاط قطع می شد و دور زدن صخره را غیر ممکن می نمود. این نقاط را ساکنان قلعه به دو طریق به یکدیگر ارتباط داده اند. یا صخره را تراشیده و راهی از آن به قسمت دیگر وصل نموده اند و یا با ایجاد دیواری از سنگ و ساروج قسمتهای بریده را به یکدیگر متصل کرده اند. هر یک از این کمر بندها یا پاگردها که آثار اسکان و استقرار در آن دیده می شود بمنزله دیوار دفاعی بود که مدافعان قلعه در آن استقرار داشته و حرکت هر جنبنده ای را زیر نظر می گرفتند.

ارتفاع کمر بند یا مرد گرد اول تا سطح زمین حدود دویست متر بوده و در قسمت جنوبی آن شکافهایی جهت صعود وجود داشت که با ایجاد دیوارهای مستحکم، نفوذ را غیر ممکن کرده بودند که امروزه قسمتهایی از آن دیوارها

۱۲- مثنوی مولانا- به همت نیکلسون - انتشارات مولی - چاپ سوم ۱۳۶۳
 - جلد دوم ص ۴۰۳

و موانع فرو ریخته و صعود از آن نقاط با دشواری ممکن است نگارنده بار اول که برای دیدن قلعه گرد کوه به آنجا رفته بود از این طریق به کمر بند اول دسترسی پیدا کرد.

مردگرد اول تا مردگرد دوم حدود یک صد و پنجاه متر ارتفاع دارد. رسیدن از مردگرد اول به دوم از هیچ نقطه ای امکان پذیر نیست، مگر از سمت مشرق که درب ورودی قلعه از آنجاست. در مردگرد یا کمر بند دوم تمام نکاتی که در مورد مردگرد اول گفته شد مصداق دارد. در آنجا نیز مدافعان قلعه استقرار یافته و دشت اطراف را زیر نظر داشتند. چنانچه دشمن موفق می شد تمام موانع را پشت گذارد در اینجا می بایست استقامتی همچون کوه از خود نشان دهد و جنگی مفصل نماید تا موفق به فتح آن شود.

رسیدن به مردگرد دوم و فتح آن، آغاز جنگ اصلی برای فتح قلعه بود. از مردگرد دوم به سطح اصلی قلعه دو راه وجود داشت و غیر از آن مسیرها، صعود با وسایل عادی به محوطه قلعه غیر ممکن بود. از این دو راه یکی راه شرقی یعنی همان مسیر دروازه اصلی قلعه و دیگری نقطه قابل صعودی در قسمت جنوبی قلعه و پائین آب انبارهای بزرگ قلعه بود.

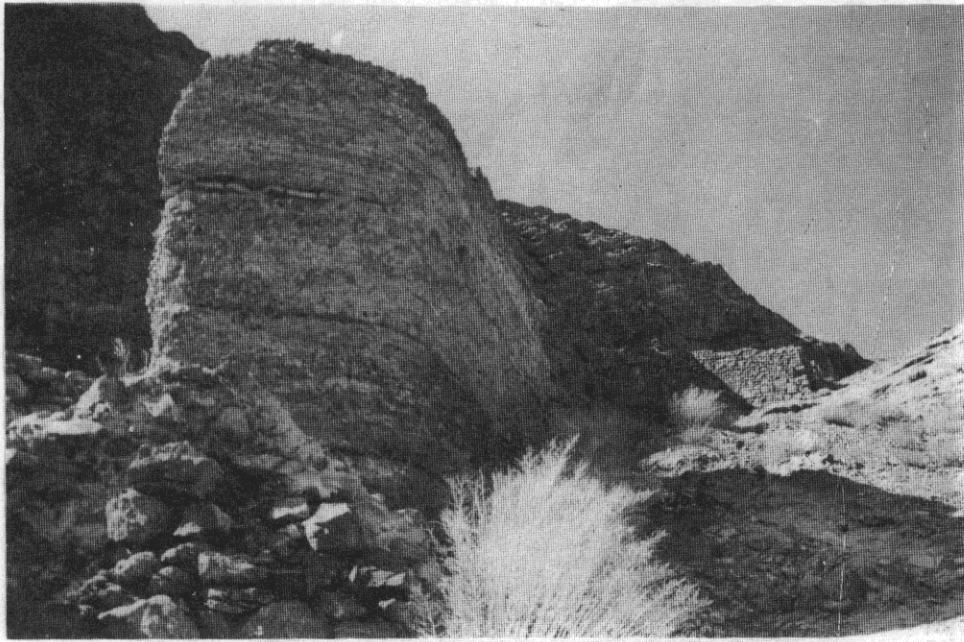
احتمالاً یکی از شگردهای مدافعان قلعه این بود که در مواقع اضطراری، زمانی که هیچ امیدی برای دفع تهاجمات دشمن نبود و همه تلاشها بی ثمر می ماند، از آب انبارها برای دور کردن دشمن و بستن راهها استفاده می کردند. در بالای دروازه ورودی و درست در نقطه ای که انسان با مشقت مردگرد دوم را پشت سر می گذارد و می خواهد به سطح شمالی قلعه دست یابد، بقایای سه آب انبار که هر یک بالای دیگری قرار گرفته اند دیده میشود که امکان صحت

این احتمال را بیشتر می کند. (عکس شماره ۳)

اگر مهاجمان موفق می شدند از مردگرد یا پاگرد دوم بگذرند و به قلعه دست یابند، پس از پشت سر گذاردن موانع موجود در سطح قلعه، با مدافعان ارگ که در بالاترین نقطه کوه قرار داشت مواجه می شدند و قطعاً تا آنجا را فتح نمی کردند تمام تلاششان برای دستیابی بر قلعه عقیم می ماند.

سطح قلعه که تقریباً بیضی شکل می باشد دارای فراز و نشیب بسیار است. قطر بزرگ بیضی حدود ۳۵۰ متر و قطر کوچک آن ۲۰۰ متر می باشد و در آن آثار بناهای متعدد جمله ۶ آب انبار بزرگ و کوچک (عکس شماره ۴)، آثار معماری صخره ای، بقایای خانه های متعدد (عکس شماره ۵)، چاه آب (عکس شماره ۶)، حمام، ارک، حوضچه های کوچک که احتمالاً برای نگهداری غلات و حبوبات (عکس شماره ۷)، از آنها استفاده می شد و سایر تأسیساتی که برای قلعه نشینان مورد نیاز بود، دیده می شود که جهت رعایت اختصار و بدلیل اینکه هنوز دقیقاً مشخص نشده اند و به منظور شناسایی آنها حفاری علمی صورت نگرفته، از توصیف آنها خودداری می شود.

در شیب ملایم دامنه کوه و گرداگرد این قلعه بقایای دو حصار کمر بندی دیده می شود که علاوه بر استحکامات یاد شده دسترسی به قلعه را دشوار می کرد و بر قدرت مقاومت آن می افزود. فاصله دو دیوار با یکدیگر در نقاط مختلف متفاوت است و بین ۲۰ متر تا ۱۵۰ متر می باشد. فاصله دیوار - داخلی حصار تا پای شیب عمودی کوه نیز در نقاط مختلف متفاوت بوده و بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ متر متغیر است. دیوارهای کمر بندی در طی مسیر گرداگرد قلعه،



تصویر شماره ۳: بقایای دو آب انبار در ضلع شرقی، در بالای درب ورودی (عکس از نگارنده).



تصویر شماره ۴: سه آب انبار بزرگ در سطح قلعه گرد کوه، ضلع جنوبی - (عکس از نگارنده).



تصویر شماره ۵: اطاق برج با دیوارهای بسیار قطور در ضلع جنوبی پائین قلعه گرد که که در نزد اهالی مشهور به زندان است، در اسناد تاریخی قراول خانه گفته شده است. (عکس از مهندس جواد شکاری)

کمربندی تپه های منفرد دیگری نیز وجود دارد که بر فراز آنها نیز بقایای اطاقهایی دیده می شود. که بسیار مختصر است. احتمال دارد این بناها برای دیدبانی بوده و در تشبیت امنیت قلعه و ساکنانش نقش داشته است.

حال بینیم مهاجمان برای رسیدن به قلعه و فتح آن چه موانعی را باید پشت سر می گذاشتند.

۱- حفظ خود از دیده دیده بانان تپه نشین گرداگرد قلعه در دشتهای اطراف که در فاصله ۴ و ۵ کیلومتری مستقر بودند و همچنین از دید دیده بانان قلاع اقماری.

۲- حفظ خود از دید ساکنان قلعه که در بالاترین

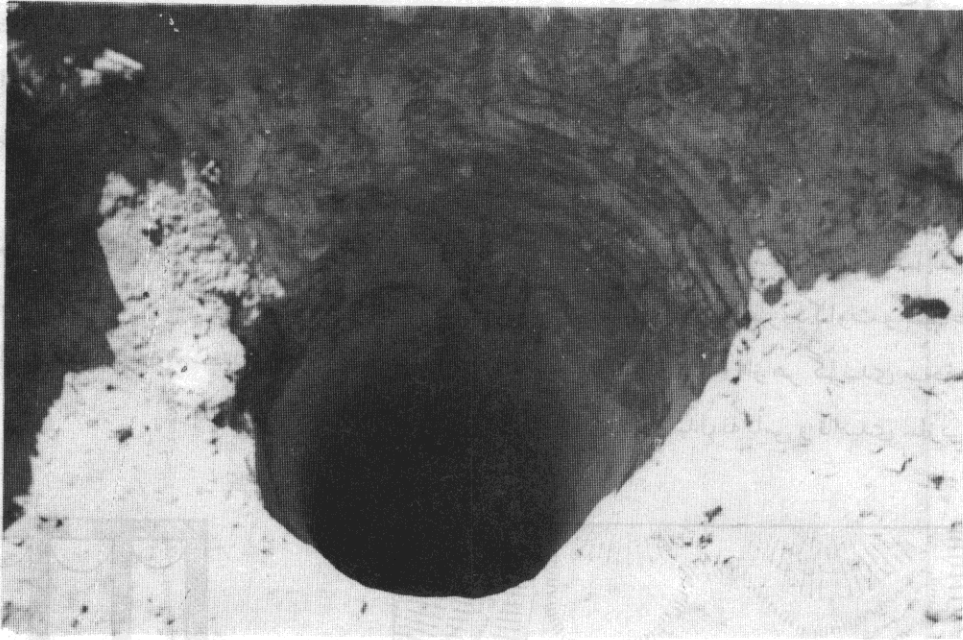
گاهی از فراز تپه های کوچکی می گذرند که بر فرازشان بقایای بناهایی دیده می شود که به منزله قلاع اقماری عمل می کردند و بصورت بیست بنای متفق در پاسداری و حفاظت قلعه اصلی بسیار مؤثر بوده اند.

ساکنان قلاع اقماری اولین مدافعان قلعه گرد کوه بشمار می رفتند که در سنگر و پناهگاه خود مهاجمان را هدف تیرهای زهر آلود خود قرار می دادند. در بیرون دیوارهای کمربندی آثار خندق هائی نیز به چشم می خورد که پر شده اند و از ابعادشان اطلاعی در دست نیست.

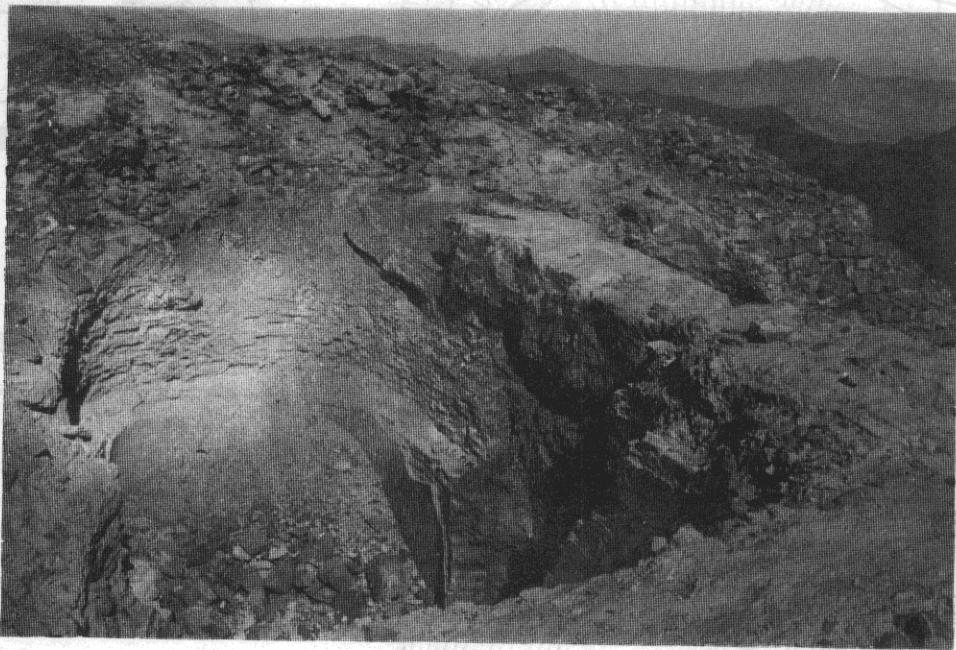
علاوه بر آنچه گفته شد، در خارج از دیوارهای

دورهٔ ساسانی و ساسانیان و ساسانیان

سلسلهٔ ساسانیان و ساسانیان و ساسانیان



تصویر شماره ۶: چاه تاریخی قلمه گرد کوه که در اسناد تاریخی گفته شده ۳۰۰ متر عمق داشته است (عکس از نگارنده)



تصویر شماره ۷: یکی از دهها اطاقک اندودکاری شده که برای انبار غلات و حیوانات ساخته شده (عکس از نگارنده)

نقطه، تمامی دشتهای اطراف را زیر نظر داشتند.

۳- گذشتن از خندق پیرامون قلعه.

۴- عبور از دیوارهای کمربندی گرداگرد قلعه.

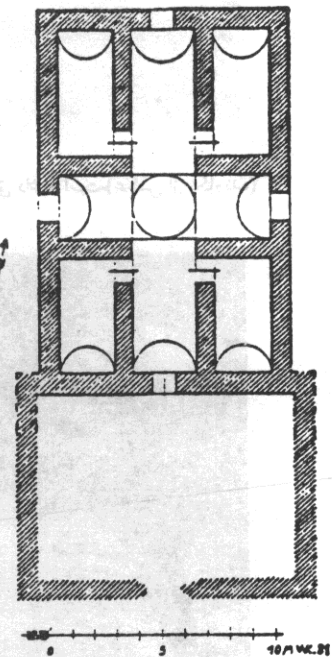
۵- فتح مردگرد یا پاگرداول کمره کوه و استقرار در آن.

۶- فتح مردگرد یا پاگرد دوم در ارتفاع ۴۰۰ متری کمره کوه و استقرار در آن.

۷- عبور از مردگرد دوم و رسیدن بر فراز قلعه برای فتح آنجا.

۸- فتح ارک قلعه و آنگاه فتح قلعه گرد کوه.

مجموعه استحکامات، موانع و بناهایی که ذکر مختصر آن گذشت موجب شده بود که در طول تاریخ هیچ فاتحی نتواند گنبدان دژ را به قهر و غضب و جنگ فتح نماید. بر این قلعه استوار کوهستانی هیچیک از ادوات تسخیر قلعه، از جمله منجنیق، سنگ انداز، خرک و غیره کارگر نبوده. ایمان، صبر، ذکاوت و شجاعت قلعه نشینان می توانست آنان را از هر گزند محفوظ دارد و امید دشمنانشان را مبدل به یأس و ناامیدی سازد.



نقشه موقعیت قلعه گرد کوه - نقشه از کتاب:

معماری ایران - دوره اسلامی - کیانی - محمد یوسف.